

موانع توسعه‌نیافتگی معدن در استان کردستان؛ زمینه‌ها، علل و پیامدها

<https://sociology.tabrizu.ac.ir>

DOI:10.22034/jeds.2025.61355.1807 شناسه دیجیتال:

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۶

حسین دانش‌مهر^{۱*}

عثمان هدایت^۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر، تحلیل توسعه‌نیافتگی اقتصادی و صنعتی بخش معدن به عنوان یکی از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های توسعه‌ای در استان کردستان می‌باشد. چهارچوب مفهومی از مفاهیم توسعه‌ی اقتصادی و صنعتی ذیل نظریات رشد متوازن نورکس و رشد نامتوازن هیرشمن و نظریات توسعه اقتصادی شومپیتر که توسعه اقتصادی و صنعتی را مبنای رفع توسعه‌نیافتگی دانسته و بر اهمیت فرآیندی و مستمر و پایداری توسعه تاکید دارند، اتخاذ شده است. همچنین از روش نظریه زمینه‌ای که در پی شرایط زمینه‌ای، علی، مداخله‌ای، پیامدها و راهبردهای اتخاذ شده، می‌باشد- توسعه‌نیافتگی- استفاده شده است. روش نمونه‌گیری، نظری هدفمند بوده و از منطق روش اشباع نظری جهت رسیدن به یافته‌های حاصل از مصاحبه با ۱۵ نفر از کارشناسان، مدیران و فعالان بخش معدن استفاده گردیده است. نتایج نشان داد که ضعف زیرساخت‌های صنعتی و ارتباطی استان زمینه‌ی توسعه‌نیافتگی بخش معدن را فراهم آورده است. پرهزینه بودن، عدم رغبت سرمایه‌گذاران، وجود بازار دلالی، بلندمدت بودن سرمایه‌گذاری و انتقال سرمایه، سرمایه‌بر بودن فعالیت‌های معدنی سبب کاهش و کمبود سرمایه‌گذاری در این بخش شده و همین امر، شرایط علی توسعه‌نیافتگی را سبب گردیده است. موانع اداری و امنیتی نمودن معادن در بهره‌برداری از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های این بخش به عنوان شرایط مداخله‌ای در توسعه‌نیافتگی عمل نموده است. این شرایط، دوقطبی‌سازی توزیع فعالیت‌های صنعتی و معدنی در میان شهرستان‌های استان و معارضت‌های نهادی و مدنی را فراهم نموده است که پیامدهای توسعه‌نیافتگی بخش معدن می‌باشد. در نهایت نتایج نشان داد که با وجود این زمینه‌ها، خام‌فروشی مواد معدنی به عنوان استراتژی و راهبرد از سوی نهادها و فعالان اقتصادی این بخش در نظر گرفته شده که حاکی از پیامد توسعه‌نیافتگی و درعین حال بازتولید توسعه‌نیافتگی استان می‌باشد.

واژگان کلیدی: بخش معدن، توسعه‌نیافتگی، توسعه اقتصادی، توسعه صنعتی، روش نظریه زمینه‌ای، استان کردستان.

۱. دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. (نویسنده مسئول) hdaneshmehr@yahoo.com

۲. پژوهشگر پسادکتری دانشگاه کردستان، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. osmaanheydayat68@gmail.com

مقدمه و طرح مسئله

توسعه به عنوان فرایندی چندبعدی مستلزم تغییرات و تحولات اساسی در همه‌ی ابعاد و جنبه‌های زمانی و مکانی است. این در حالی است که ناموزونیت آن، ناظر به عواملی نظیر شرایط طبیعی و جغرافیایی، ویژگی‌های جمعیتی، ساختار برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌ها و جهت سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی است که برای برخی مناطق یک کشور درجه‌هایی از توسعه‌یافتگی و برای برخی دیگر درجه‌هایی از توسعه‌نیافتگی به نسبت مناطق توسعه‌یافته‌تر را به بار می‌آورد. در ایران توسعه‌ی اقتصادی و صنعتی با توسعه‌ای نامتوازن همراه بوده است. این امر در استان‌های مرزی به دلایل جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی و... سبب عدم توازن و تعادل در توسعه‌ی بخش‌های اقتصادی و صنعتی و به تبع؛ بالقوه ماندن ظرفیت‌ها و پتانسیل‌ها شده است (بهرامی، ۱۳۸۴؛ دیداری و همکاران، ۱۳۹۸؛ جهانی دولت‌آباد و محمدی، ۱۴۰۲) و در مواردی نیز به زایل شدن و اضمحلال آنها منجر گشته است (دانش‌مهر و همکاران، ۱۳۹۸؛ دانش‌مهر، ۱۴۰۲). بنابراین، می‌توان گفت که استان کردستان به عنوان یک استان مرزی با وجود پتانسیل‌ها و ظرفیت‌ها در بخش‌های مختلف اقتصادی همچنان به عنوان یک استان توسعه‌نیافته قلمداد می‌شود که با چالش‌ها و موانعی در این زمینه مواجه است. موانع توسعه اقتصادی و صنعتی در استان کردستان را بر پایه تحقیقاتی که در این ارتباط انجام شده‌اند را می‌توان؛ در ضعف زیرساخت‌های اقتصادی (بهرامی، ۱۳۸۴؛ سرور و خلیجی، ۱۳۹۲؛ خانزادی و صادقی‌نسب، ۱۳۹۶؛ خیرالدین و رزاپور، ۱۳۹۸) عدم سرمایه‌گذاری دولتی (بهرامی، ۱۳۸۴؛ فغفوری و زراعت‌کیش، ۱۳۹۵) عدم توازن و تعادل درون منطقه (بهرامی، ۱۳۸۴؛ شمعی و احمدی، ۱۳۹۵؛ دیداری و همکاران، ۱۳۹۸؛ جهانی دولت‌آباد و محمدی، ۱۴۰۲) ملاحظات امنیتی و سیاسی (سلطانیان و مفاخری باشماق، ۱۳۹۸؛ حق‌شناس و همکاران، ۱۳۹۸) شرایط جغرافیایی محیط طبیعی (قادرزاده و دیگران، ۱۳۹۶) مورد بررسی و مطالعه قرار داد. این امر، پرسش اساسی را در رابطه مستقیم با توسعه‌نیافتگی استان علی‌رغم وجود پتانسیل‌ها و ظرفیت‌ها در بخش‌های مختلف اقتصادی همچنان باقی گذاشته است. پرسشی که اساساً از رابطه توسعه‌نیافتگی اقتصادی با سایر بخش‌های دیگر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی برمی‌خیزد. بنابراین، پژوهش حاضر با مسئله‌نمودن توسعه‌نیافتگی در بخش معدن به عنوان پیشران و پسران توسعه اقتصادی و یکی از مهمترین پتانسیل‌ها و ظرفیت‌ها به رابطه آن با امر توسعه و توسعه‌نیافتگی استان می‌پردازد.

با وجود این، استان کردستان به دلیل موقعیت استراتژیک و منابع غنی، فی‌نفسه شرایط مناسبی برای توسعه اقتصادی در بخش صنعت، معدن و تجارت دارد. به‌ویژه دسترسی آسان به بازار کشورهای عراق و ترکیه زمینه بسیار خوبی جهت تقویت روابط تجاری را برای استان فراهم نموده و کردستان می‌تواند پل ارتباطی قابل اتکایی برای فعالیت دیگر استان‌های کشور نیز باشد.

در بخش معدن نیز ذخایر غنی و متنوع مواد معدنی فلزی و غیرفلزی خصوصاً طلا، سنگ آهن، سنگ‌های تزئینی، باریت منگنز، فلدسپات، سنگ آهک و سایر موارد زمینه خوبی برای رشد و توسعه اقتصادی استان را دارند. در رابطه با ظرفیت‌های توسعه و استخراج معادن استان می‌توان گفت که باتوجه به قرارگیری استان در سه زون ساختاری زاگرس، سهندج_سیرجان و زون ایران مرکزی (ارومیه دختر)، تنوع واحدهای زمین‌شناسی و به تبع آن تنوع کانی‌های فلزی مانند طلا، آهن، سرب و روی و نظایر آنها بسیار بالاست. با توجه به زون طالدار غرب ایران در منطقه کردستان و دارا بودن بیش از ۱۰ کانسار و محدوده طالدار و نیز وجود رخنمون‌های متعدد آهن در استان و وجود مرم‌های ممتاز و دیگر سنگ‌های تزئینی، استان را در زمره استان‌های مهم از لحاظ معدنی قرار داده است. در مجموع استان دارای حدود ۷۵ میلیون تن ذخیره قطعی و ۲۵۰ میلیون تن ذخیره احتمالی سنگ آهن است که می‌توان با برنامه‌ریزی دقیق از آنها بهره‌برداری کرد. بخش اعظم ذخایر طلای استان در شهرستان‌های سقز و قروه واقع شده است. در ۳۵ کیلومتری غرب شهر سقز (قلقله، قیقلوچه و کرویان) حدود ۱۵ میلیون تن کانسنگ طلا کشف شده است. در ۳۴ کیلومتری شمال شرقی شهرستان قروه ذخیره حدود ۸۰۱۴ میلیون تن کانسنگ کشف شده است که در حال بهره‌برداری است. این ذخیره در صورت اکتشافات بیشتر و کشف کانسنگ سولفیدی ممکن است به بیش از ۶۰ میلیون تن نیز برسد.

در یک جمع‌بندی، ظرفیت‌های بخش معدن استان به این صورت است که معادن فعال، بلامعارض و در حال تجهیز ۱۶۳ معدن است که مساحت تحت معدنکاری استخراجی ۲۳۴ کیلومتر مربع است. از مجموعه معادن استان؛ ۲۱۷ معدن معادل ۶۱ درصد فعال و ۱۳۲ معدن به عبارتی ۳۷ درصد غیرفعال هستند. درصد عرصه معدن به کل معادن کشور نیز ۲۰۷ می‌باشد. ذخیره قطعی معادن استان ۵۷۰ میلیون تن است و استخراج اسمی سالیانه آنها بیش از ۲۰ میلیون تن ماده معدنی است (سند آمایش صنعتی، معدنی و تجاری کشور، ۱۴۰۲). با وجود ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های این بخش، تنها ۳۷ درصد از سرمایه‌گذاری در بخش صنعت معدن و تجارت انجام شده است و از میان این سه بخش کمتر از ۱۰ درصد به بخش معدن اختصاص دارد و سهم اشتغال اسمی آنها بیش از پنج هزار نفر بوده ولی به دلیل فعال نبودن تعدادی از معادن هم اکنون چهار هزار نفر به طور مستقیم در این بخش مشغول به کار هستند (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲).

پژوهش حاضر، با در نظر داشتن این موارد، در پی پاسخ به این سوال می‌باشد که با وجود ظرفیت‌ها و پتانسیل‌ها، چرا توسعه‌ی اقتصادی و صنعتی در بخش معدن در استان کردستان همچنان جایگاه خود را بدست نیاورده است. به عبارت دیگر؛ زمینه‌ها، علل و پیامدها کدامند و چه راهکارهایی برای ارتقاء و بهبود وضعیت، می‌توان ارائه داد؟

۲. پیشینه تجربی پژوهش

دانش‌مهر، (۱۴۰۲)، در مقاله «زایل‌شدن ظرفیت‌های توسعه محلی در استان کردستان (ارائه نظریه داده‌بنیاد در حوزه مدیریت منابع آب)»، به بررسی زمینه‌های توسعه‌نیافتگی استان کردستان در حوزه آب با نظریه زمینه‌ای و از نگاه نخبگان می‌پردازد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین مزیت‌های توسعه‌ای بخش آب استان عبارت‌اند از: مزیت نسبی آب قابل بهره‌برداری و ذخیره‌سازی آن، اراضی دیم وسیع، توسعه سامانه‌های نوین آبیاری و فعالیت‌های کشاورزی، گردشگری آبی و توسعه فعالیت‌های شیلات و آبزیان. درمجموع می‌توان گفت آب می‌تواند به‌عنوان یکی از پیشران‌های مهم توسعه در استان کردستان عمل کند و دیگر ظرفیت‌های توسعه در استان مانند کشاورزی، گردشگری، معادن و صنعت را فعال کند.

محمدی و همکاران (۱۳۹۹)، در مقاله «بررسی و مطالعه جامعه‌شناختی ساختار توزیع فرصت‌ها و امکانات (مورد مطالعه استان کردستان)»، با استفاده از پیمایش و پرسشنامه از شهروندان استان به این نتایج می‌رسند ساختار توزیع فرصت‌ها و امکانات در استان کردستان متفاوت است، بین عامل انسداد اجتماعی و دسترسی نابرابر به قدرت و ساختار توزیع فرصت‌ها و امکانات در استان کردستان رابطه وجود دارد، متغیر انسداد اجتماعی تأثیر مستقیم (۰/۲۶۸) و غیرمستقیم (۰/۲۵۷) بر ساختار توزیع فرصت و امکانات داشته است. متغیر دسترسی به قدرت نیز به صورت مستقیم با ضریب مسیر ۰/۴۰۰ بر ساختار توزیع فرصت و امکانات در استان کردستان تأثیر داشته است.

دیداری و همکاران (۱۳۹۸)، در مقاله «بررسی عوامل مؤثر بر توسعه نامتوازن در استان کردستان با تأکید بر شاخص‌های توسعه اقتصادی»، به عوامل توسعه نامتوازن استان‌های مرزی به‌ویژه استان کردستان پرداخته‌اند. نتایج که با استفاده از تحلیل مصاحبه‌ها با نخبگان انجام شده است نشان می‌دهد که استان کردستان از نظر بهره‌مندی از ابعاد و شاخص‌های گوناگون توسعه اقتصادی جزء استان‌هایی با میزان توسعه اندک در کشور محسوب می‌گردد و برای توسعه این استان، مشارکت همه‌جوانب لازم است.

احمدی (۱۳۹۸)، در مقاله «نقش معدن در جذب و پایداری جمعیت سکونتگاه‌های انسانی (مطالعه موردی: سکونتگاه‌های استان کردستان)»، به بررسی تأثیر معدن در ماندگاری و جذب جمعیت سکونتگاه‌های مجاور معادن در استان کردستان پرداخته شده است. نتایج نشان می‌دهد که معدن‌ها نقش مهمی در ماندگاری روستاهای استان کردستان دارند. این امر چه در روش حریم‌گذاری و چه در روش فاصله اقلیدوسی به‌رغم نرخ رشد منفی نواحی روستایی در این دوره (۱۳۷۵-۱۳۹۵)، نواحی قرار گرفته در مناطق مورد نظر از معادن تا سال ۱۳۹۰ دارای رشد مثبت

و در سال ۱۳۹۵ داری رشد منفی زیادی بوده است. قاضی و همکاران^۱ (۲۰۲۱)، در مقاله «ژئوتوریسم سایت‌های معدنی در ایران: فرصتی برای توسعه پایدار روستایی»، با هدف توسعه گردشگری در سایت‌های معدنی در چارچوب ژئوتوریسم ایران به این نتیجه می‌رسند که میراث غنی معدنی ایران، مبنای ارزشمندی برای توسعه گردشگری فراهم می‌کند و پتانسیل‌هایی را برای فرصت‌های شغلی متنوع‌تر ایجاد می‌کند.

عصر و همکاران^۲ (۲۰۱۹)، در مقاله «مروری بر مطالعات توسعه پایدار در چرخه حیات معدن»، به مصاحبه با محققان این بخش پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن است که صنعت معدن ارتباط تنگاتنگی با توسعه پایدار دارد و همین منجر به تأثیرات مثبت و منفی این صنعت بر سه اصل کلیدی توسعه پایدار شامل جامعه، اقتصاد و محیط زیست می‌شود. از طریق تعامل این اصول با فعالیت‌های انجام شده در مراحل مختلف چرخه حیات معدن، چارچوب مناسبی برای توسعه پایدار ایجاد می‌شود و اجرای آنها در پروژه‌های معدنی می‌تواند از نظر اقتصادی سودآور، از نظر زیست‌محیطی پاک و از نظر اجتماعی مسئولیت‌پذیر باشد.

۳. چهارچوب مفهومی پژوهش

چهارچوب مفهومی اتخاذشده بر مفاهیم توسعه‌ی اقتصادی و توسعه صنعتی ذیل نظریات رشد متوازن نورکس^۳ و نظریه رشد نامتوازن هیرشمن^۴ و نظریه توسعه اقتصادی شومپتر^۵ پرداخته است. صاحب‌نظران، فاکتورهای متعددی را بر شکل‌گیری عوامل توسعه‌ی اقتصادی و صنعتی یک کشور یا ناحیه موثر می‌دانند. این عوامل را می‌توان در عوامل اصلی تولید موجود در جامعه (مانند؛ نیروی کار یا جمعیت، زمین یا منابع طبیعی، سرمایه) و یا بهبود سازمان و تکنولوژی که این عوامل به‌وسیله آنها بکار گرفته می‌شود، خلاصه نمود (ریچاردتی، ۱۳۶۶: ۵۱). با وجود این، نظریات در مورد چگونگی شکل‌گیری و تأثیر عوامل بر توسعه اقتصادی و صنعتی متفاوت هستند.

نظریه‌ی رشد متوازن که توسط نورکس (۱۹۵۳) صورت‌بندی شده است بر سرمایه‌گذاری هم زمان در همه بخش‌های صنعتی اشاره دارد (نافزیگر، ۱۳۹۵) این نظریه بر اهمیت سرمایه‌گذاری‌های در همه‌ی بخش‌ها اشاره داشته و سرمایه‌گذاری خارجی را برای توسعه کشورهای در حال توسعه مهم ارزیابی می‌کند. این اقدام باعث افزایش اندازه بازار، افزایش بهره‌وری و ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری توسط بخش خصوصی می‌شود. چگونه حجم ناچیز و ناکارآمد بازار در کشورهای توسعه‌نیافته، توسعه‌نیافته باید هماهنگ باشد و هر بخش مواد

1. Ghazi et al

2. Asr et al

3. Nurkse

4. Hirschman

5. Schumpeter

پیشین و پسین بخش‌های دیگر را فراهم آورد. در این نظریه توجه به بازار و اندازه آن برای تولید و تقاضا مهم است و این امر انگیزه سرمایه‌گذاری را تعیین می‌کند (میسرا^۱، ۲۰۰۱). از نگاه این نظریه رشد متوازن، اهمیت دادن به سرمایه‌گذاری و افزایش بهره‌وری تولید می‌تواند میزان توسعه‌نیافتگی را کاهش دهد. بنابراین، سرمایه‌گذاری داخلی و بازار داخلی را بر صادرات ترجیح می‌دهند (کاتل و همکاران^۲، ۲۰۰۹).

نظریه رشد نامتوازن هیرشمن (۱۹۵۸)، نیز یکی از نظریات در حوزه توسعه اقتصادی است که به توسعه‌نیافتگی اقتصادی و صنعتی [به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه] می‌پردازد. هیرشمن تاکید اصلی‌اش را در مطالعات حوزه اقتصاد توسعه روی رشد نامتوازن اقتصادی گذاشته و بیان کرده به دلیل کمبود تصمیم‌گیران قدرتمند و عالم اقتصادی در کشورهای در حال توسعه و ناتوانی در ایجاد انگیزه کار و فعالیت اقتصادی و به‌کارگیری بهینه از منابع طبیعی و منابع انرژی، امکان رشد بهینه اقتصادی با حداکثر توان در این کشورها وجود ندارد. پیشنهاد هیرشمن برای تغییر این وضعیت، ایجاد صنایع بزرگ در کشوری در حال توسعه است که محصولات تولیدی آنها با صنایع و بنگاه‌های مختلف بیشترین ارتباط پسینی و پیشینی را داشته باشد و در واقع یا ماده اولیه واحدهای صنعتی زیادی را تامین کند یا برای ساخت آن ماده اولیه با واحدهای صنعتی مختلف مبادله کالا و پول داشته باشد (هیرشمن، ۲۰۱۲).

شومپتر، نیز در کتاب «نظریه توسعه اقتصادی» ضمن توجه به رشد تدریجی به بررسی عوامل مؤثر بر توسعه اقتصادی پرداخته و بر پایه نظریات کلاسیک، رویکرد جدیدی را برای رسیدن به توسعه اقتصادی اتخاذ کرد. وی ماشین سرمایه‌داری را قادر به دستیابی به نرخ‌های بالاتر رشد اقتصادی می‌داند. از نظر شومپتر، توسعه اقتصادی، عبارت است از به‌کارگیری ترکیب‌های جدیدی از ابزارهای تولید به‌گونه‌ای که شرایط تولید کالاهای موجود دگرگون شود و یا کالاهای جدیدی ارائه گردد، یا منابع جدید عرضه یا بازارهای تازه‌ای گشوده شود، یا آن‌که صنعتی از نو سازماندهی گردد. دگرگونی هریک از این چهار جنبه — شیوه‌های تولید، نوع محصولات، بازارها یا سازمان صنایع — مستلزم نوآوری است. شومپتر این پنج جنبه توسعه اقتصادی را همچون عوامل موجد «انقلاب‌های تولیدی» توصیف می‌کند. عبارت «انقلاب در تولید»، هم بر جنبه دگرگونی‌آفرین توسعه تأکید دارد، و هم بر این واقعیت که تغییراتی از این دست تمایل به همگرایی دارند؛ به‌گونه‌ای که توسعه به‌جای آن‌که فرایندی آرام و مداوم باشد، فرایندی دارای اوج و حضيض است. جنبه اصلی تحلیل شومپتر تصریح سه خصوصیت مشترک است که به نظر او در ذات بیش‌تر نمونه‌های توسعه اقتصادی وجود دارد و بدون آن‌ها توسعه

1. Misra

2. Kattel et al

عموما نمی‌تواند تحقق یابد. شومپیتر هر یک از این خصوصیات را در مقابل خصوصیت دیگری قرار می‌دهد که از دید خودش، نظریه‌پردازان پیشرفت اقتصادی، اهمیت نابجایی برای آن‌ها قائل شده‌اند. این سه خصوصیت اساسی عبارت‌اند از: ۱. بسیج عوامل موجود تولید و ترکیب آن‌ها به شیوه‌های نوین. ۲. گسترش اعتبارات که عموماً برای اعمال نظارت لازم بر این عوامل در بازار ضرورت دارد. ۳. حضور کارآفرین اقتصادی که شرط اساسی آغاز این فرایند بسیج منابع و تداوم و تکمیل آن است. نزد شومپیتر خصوصیت اصلی توسعه اقتصادی نه «انباشت فزاینده» سرمایه جدید، بلکه بسیج عوامل موجود برای مصارف نوین است (شومپیتر، ۱۹۶۱: ۶۸ به نقل از هانت، ۱۳۹۵). راهبرد توسعه وی این بود که رشد را تغییر آرام و تدریجی می‌پنداشت و معتقد بود که در کنار نیازهای فیزیکی لازم برای رشد اقتصادی یا عوامل تولید مورد نیاز برای توسعه نیافتگی آنچه که از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است و باید بر آن متمرکز شد نوآوری است که توسط انترپرنورها یا کارآفرینان که همان افراد تیزهوش با خلاقیت فوق‌العاده هستند ایجاد می‌شود.

با استناد به این نظریات می‌توان گفت که توسعه اقتصادی، شامل ایجاد ترکیب جدیدی از عوامل تولید به نحوی است که موجب افزایش بهره‌وری کار گردد. ویژگی اساسی توسعه اقتصادی افزایش مستمر تعداد بخش‌هایی است که از پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌های تولیدی استفاده می‌کنند» (کیلی و مافیل، ۱۳۹۱: ۵). توسعه اقتصادی در کنار رشد کمی به مسائل کیفی نیز توجه دارد و این امر موجب می‌شود رشد اقتصادی با بهبود استانداردهای زندگی پایدارتر باشد (پترونلا، ۲۰۱۲: ۶۶-۶۸). با این حال، فرآیند توسعه صنعتی نیز منظومه‌ای یکپارچه‌ای است که الزاماً تمام عوامل و عناصر مربوط به آن از جمله زمینه‌سازی‌ها، هدف‌گذاری‌ها، جهت‌گیری‌های استراتژیک خاص در صنعت‌گستری و در یک مجموعه به هم پیوسته عمل می‌کنند (تقوی، ۱۳۹۴). در یک جمع‌بندی، نظریات رشد متوازن و نامتوازن و همچنین نظریات توسعه اقتصادی شومپیتر به علاوه بر سرمایه‌گذاری، کار فناوری و بهره‌وری و کارایی تولید نیز تاکید دارند. آنها توسعه اقتصادی و صنعتی مبنای رفع توسعه نیافتگی دانسته و بر اهمیت فرآیندی و مستمر و پایداری توسعه تاکید دارند.

مطالعات نشان می‌دهد که بخش معدن تاثیر زیادی بر شاخص‌های توسعه‌ی اقتصادی دارد و این امر برای استان کردستان که دارای پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های زیادی در این بخش می‌باشد، دوچندان حائز اهمیت است اما موانع زیادی در تحقق اهداف توسعه اقتصادی و صنعتی وجود دارد. مطالعات با درنظر داشتن روش‌های مختلف و انجام مصاحبه‌ها به حوزه‌ها و بخش‌های توسعه‌ی اقتصادی و صنعتی استان پرداخته‌اند اما کمتر به بخش معدن که یکی از مهمترین ظرفیت‌های توسعه‌ای استان می‌باشد، توجه داشته‌اند. بنابراین این پژوهش با درنظر داشتن نتایج

این مطالعات، و با اتخاذ چهارچوب مفهومی اخذشده به مسئله توسعه‌نیافتگی بخش معدن و ارائه راهکارهایی جهت تحقق ظرفیت‌های آن پرداخته خواهد شد.

۴. روش‌شناسی پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش، روش کیفی می‌باشد. در میان روش‌های کیفی، روش نظریه‌ی زمینه‌ای با توجه به ویژگی‌هایی مانند قابلیت نظری، ارتباط مداوم و فعال محقق با موضوع تحقیق و قابلیت اصلاح اهمیت زیادی برای تدوین چارچوب‌های نظری جهت شناخت مسئله اجتماعی دارد. روش نظریه‌ی زمینه‌ای که با نام‌های نظریه برخاسته از داده‌ها، نظریه زمینه‌ای و نظریه بنیادی نیز شناخته می‌شود، یک راهبرد پژوهشی عام، استقرایی و تفسیری است که در سال ۱۹۶۷ توسط گلاسر و اشتراوس بوجود آمد (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶).

جامعه‌ی آماری در این پژوهش با استفاده از روش داده بنیاد به شناسایی زمینه‌ها، علل و پیامدهای توسعه‌نیافتگی بخش معدن در استان کردستان پرداخته و مشخص خواهد نمود که نخبگان، مدیران و افراد مطلع چه دیدگاه‌هایی در رابطه با توسعه و توسعه‌نیافتگی در این بخش در استان دارند. بر همین اساس، با تعداد ۱۵ نفر از جامعه‌ی مورد نظر مصاحبه صورت گرفته که با این تعداد، مصاحبه از بعد نظری به اشباع رسیده است. اشباع نظری مقوله مبنای داوری درباره‌ی زمان توقف نمونه‌گیری از گروه‌های مختلف مربوط به آن مقوله بوده است. راهبرد مصاحبه در این پژوهش، مصاحبه نیمه‌ساختارمند است و زمان مصاحبه‌ها از ۶۰ دقیقه تا ۱۲۰ دقیقه متغیر خواهد بود.

روش نمونه‌گیری، روش نمونه‌گیری نظری هدفمند و با حداکثر تنوع بوده است. جهت اعتبار حاصل از داده‌ها از دو نوع اعتبار تفسیری^۱ و اعتبار نظری^۲ در این پژوهش استفاده می‌شود. اعتبار تفسیری یا مطابقت و توجیه‌پذیری اشاره به تصویرکردن و بیان صحیح معانی دارد که توسط مشارکت‌کنندگان به آنچه پژوهش‌گر مورد مطالعه قرار داده، نسبت داده شده است. به‌طور اخص این نوع اعتبار به میزان فهم و انعکاس صحیح دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان پژوهش، افکار، عواطف، احساسات، تمایلات و تجارب آن‌ها در گزارش ناظر است (جانسون^۳، ۱۹۹۷: ۸۹). و اعتبار نظری بیان‌کننده میزان تناسب تبیین نظری حاصل از مطالعه پژوهشی، با داده‌های گردآوری شده و از این‌رو معتبر و قابل دفاع بودن آن داده‌ها است.

بنابراین شیوه تحلیل داده‌ها براساس استخراج مفاهیم، مقولات اولیه و ثانویه با استفاده از تکنیک مضمونی یا تماتیک می‌باشد. در ابتدا مصاحبه‌ها در قالب مفاهیم کلی استخراج می‌شود و

1. Interpretive validity
2. Theoretical validity
3. Johnson

با توجه به دانش نظر محققین و طبقه‌بندی براساس موضوع و استنباط شرایط در قالب مقولات اولیه گنجانده می‌شود. سپس این مقولات با انواع طبقاتی از شرایط و زمینه‌ها که شامل شرایط علی^۱ (عواملی که موجب پدیده^۲ محوری شده‌اند، استراتژی‌ها یا راهبردها^۳) (اقدامات اتخاذ شده در پاسخ به پدیده محوری)، شرایط مداخله‌گر^۴ و زمینه^۵ (عوامل وضعیتی عام و خاص که برای استراتژی‌ها تأثیر می‌گذارند) و پیامدها^۶ (نتایج حاصل از به‌کارگیری استراتژی‌ها) می‌شوند (کرسول، ۱۳۹۴: ۸۸). مورد تفسیر و تحلیل قرار خواهند گرفت. به عبارت دیگر؛ به موجب آن مدل پارادایمیک^۷ حاصل می‌شود که از آن پدیده محوری (توسعه نیافتگی بخش معدن) که از موقعیت و زمینه، اکتشاف و استخراج می‌شود.

جدول ۱. مشخصات مصاحبه‌شوندگان

کد مصاحبه	نام مستعار	زمینه فعالیت	سن، جنس	تحصیلات
۱	م.ر	معاونت معدن، اداره صنعت، معدن و تجارت استان کردستان	۳۸. مرد	دکتر
۲	ک.ا	کارشناس امور تجاری بخش خارجی، اداره صنعت معدن و تجارت استان کردستان	۳۹. مرد	کارشناسی
۳	ا.م	کارشناس امور سرمایه‌گذاری و توسعه، اداره صنعت معدن و تجارت استان کردستان	۴۵. مرد	کارشناسی
۴	م.ی	معاونت صنعت، اداره صنعت معدن و تجارت استان کردستان	۴۷. مرد	کارشناسی ارشد
۵	ک.م	کارشناس امور تجاری بخش داخلی، اداره صنعت معدن و تجارت استان کردستان	۴۰. مرد	کارشناسی
۶	م.م	کارشناس امور صنعتی و معدنی، اداره صنعت، معدن و تجارت استان کردستان	۴۲. مرد	کارشناسی
۷	ن، ت	پیمانکار، حوزه معدن	۵۵. مرد	کارشناسی
۸	ف، ل	کارشناس امور سرمایه‌گذاری، اداره صنعت معدن و تجارت استان کردستان	۵۰. مرد	کارشناسی
۹	ل.ق	پیمانکار، حوزه صنعت و معدن	۴۳. مرد	کارشناسی
۱۰	ع.ک	پیمانکار، حوزه صنعت و معدن	۴۹. مرد	کارشناسی
۱۱	ا.ع	پیمانکار، حوزه صنعت و معدن	۵۸. مرد	دیپلم
۱۲	م.ک	بازرگان، حوزه صنعت	۶۵. مرد	دیپلم
۱۳	ه.و	مدیر گروه مهندسی معدن دانشگاه کردستان	۴۱. مرد	دکتر
۱۴	ر.ک	رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی سنجند	۵۰. مرد	کارشناسی ارشد
۱۵	ا.م	پیمانکاری، حوزه معدن	۴۸. مرد	کارشناسی

1. Causal Conditions
2. Phenomenon
3. Strategies
4. Intervening Condition
5. Context
6. Consequences
7. Paradigm model

۵. یافته‌ها

استان کردستان به‌رغم ظرفیت‌های توسعه‌ای در بخش‌های صنعت، معدن و تجارت در رتبه‌بندی کشوری جزو آخرین استان‌ها در زمینه فعالیت‌های مورد بررسی قرار دارد. درواقع، آنچه به عنوان موانع اصلی توسعه در این بخش‌ها به‌ویژه بخش معدن استان - بر اساس مصاحبه‌های انجام‌شده با کارشناسان، صاحب‌نظران و مدیران سازمان و نهادهای ذی‌ربط و فعالان اقتصادی در این بخش - مورد شناسایی و بررسی قرار گرفته‌اند. مقولات استخراجی شامل ۱۸ مقوله اولیه و ۷ مقوله اصلی تحت عناوین «ضعف زیرساخت‌های صنعتی و ارتباطی»، «کمبود فرصت‌های سرمایه‌گذاری و دولتی بودن معادن»، و «موانع اداری و امنیتی نمودن معادن»، «دوقطبی‌سازی توزیع فعالیت‌های صنعتی و معدنی در میان شهرستان‌های استان» و «معارضت‌های نهادی و مدنی» و «خام‌فروشی» مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

جدول ۲. تحلیل تماتیک موانع توسعه معدن استان کردستان

مفاهیم	مقولات اولیه	مقولات ثانویه
کمبود امکانات، زیرساخت‌های ضعیف، راه‌سازی و حمل و نقل راه‌سازی و حمل و نقل ضعیف	ضعف	مقولات ثانویه
ضعیف، جاده‌های نامناسب، ارتباطات ضعیف شبکه‌ای، بی‌توجهی	زیرساخت‌های	ضعف
به بخش صنعت، وجود بازار دلالی، عدم رغبت سرمایه‌گذاران،	صنعتی و	مقولات ثانویه
نوسانات بازار و عدم ریسک سرمایه‌گذاران، وجود بازار دلالی،	ارتباطی	مقولات ثانویه
کاهش نگرش به کار تولیدی، کمبود انگیزه تولید از جانب	کمبود فرصت‌های	مقولات ثانویه
تولیدکنندگان، سودآور نبودن این بخش به نسبت بازار دلالی، نبود	سرمایه‌گذاری	مقولات ثانویه
حمایت دولتی، کاهش اعتبارات بانکی، عدم همکاری بانک‌ها، نبود	دولتی بودن	مقولات ثانویه
برنامه‌های تشویقی، سرمایه بر بودن صنعت، توان مالی کم، افزایش	معدن	مقولات ثانویه
هزینه‌های سرمایه‌گذاری، وارد کردن کالاهای صنعتی از مرز، توان	موانع اداری	مقولات ثانویه
رقبیتی کم سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان، نبود فرصت‌های برابر		مقولات ثانویه
سرمایه‌گذاری و رانت بازی و پارتی بازی، کمبود کارخانه‌های مادر		مقولات ثانویه
و سنگین در استان، دیدگاه حاکم بر غیرصنعتی کردن استان،		مقولات ثانویه
کاهش اشتغالزایی کارخانه‌های موجود، ۹۴ درصد کارخانه‌ها		مقولات ثانویه
اشتغال زیر ۵۰ نفر، ۵۰ درصد کارخانه‌ها اشتغال زیر ۱۰ نفر، ۲۲		مقولات ثانویه
واحد صنعتی با اشتغال بالای ۱۰۰ نفر، کاهش اعتبارات دولتی،		مقولات ثانویه
بروکراسی شدید اداری و ممانعت از صدور مجوز و دردهای		مقولات ثانویه
اداری، وجود نگرش سیاسی نظامی حاکم بر فضای عمومی جامعه		مقولات ثانویه
برای سرمایه‌گذاری در بخش صنعت، کم توجهی دولت به صنعت		مقولات ثانویه
استان، نبود امنیت سرمایه‌گذاری، ریسک بالای تولید کالا، نبود		مقولات ثانویه

مفاهیم	مقولات اولیه	مقولات ثانویه
صنایع پایه، ضعف شهرک‌های صنعتی، کاهش توان رقابتی شهرک‌های صنعتی، عدم فرهنگ‌سازی، موانع اجتماعی برای مقابله با ایجاد کارخانه‌ها، موانع زیست‌محیطی برای مقابله با ایجاد کارخانه‌ها، نبود همکاری مابین بانک‌ها و سرمایه‌گذاران، سنگ‌اندازی بانکی و اداری، مسائل امنیتی و وجود نگرش منفی و طردکننده در سرمایه‌گذاری و ایجاد صنایع و تولید کالا، کاهش انگیزه کار معدن‌کاران، عدم تخصیص کمک‌های دولتی، بی‌توجهی به معدن غرب استان، کم‌کاری مسئولان، نبود آگاهی‌سازی و عدم آگاهی‌سازی از طریق صدا و سیما، کمبود تقاضای کشوری و خارجی در مواد خام، کاهش اعتبارات بانکی، کاهش حمایت نهادی از معدن، نظارت دولتی، تخصیص‌های دولتی، حاکمیت تام دولت بر معدن. ممانعت از بخش خصوصی، امنیتی شدن معدن، افزایش رانت‌بازی در جذب تخصیص منابع مالی، برنامه‌ریزی دستوری، عمل نکردن به طرح آمایش سرزمین، وجود تبعیض در تخصیص، تمرکز بر شرق استان، هزینه بر بودن انتقال مواد خام به مرکز کشور، ناتوانی استخراج معدن غرب استان، وجود نوار مرزی و ممانعت از استخراج معدن به دلایل‌های سیاسی امنیتی، نوع خاک و جنس مواد خام متفاوت و سخت مناطق غرب استان، افزایش بیکاران به دلیل معدن غیر فعال، نبود صنایع تبدیلی وجود معارضین محلی، عدم همکاری مردم با سرمایه‌گذاران و نهادهای ذی‌مدخل، نبود آگاهی زیست‌محیطی فعالان زیست‌محیطی و شایعه‌پراکنی در تخریب اراضی و آسیب‌های ایجاد معدن، معارضت منابع طبیعی. وجود کارخانه در استان‌های همسایه، کمبود زنجیره فراوری محصولات، کمبود ماشین‌آلات، ضعف در انتقال سنگ‌ها، کمبود ماشین‌های حفاری و تکنولوژی‌های جدید، معارضت روستاییان، مخالف و ممانعت نهادهای امنیتی، کاهش زنجیره‌های صنعتی و فراوری، کمبود انگیزه در بخش فراوری، سرمایه بر بودن فراوری و ترس از نبود بازار فروش، وجود رقیبان قوی در اصفهان و یزد و تبریز و تهران، مجبور به فروش خام،...	نبود حمایت نهادی	امنیتی نمودن معدن
	موانع سیاسی و نظامی	
	امنیتی نمودن معدن	
	تخصیص معدن به	
	شهرهای قروه و بیجار	دوقطبی‌سازی توزیع
	ناشی از رانت بازی اداری	فعالیت‌های صنعتی و معدنی در میان و
	کاهش تخصیص	
	کمک‌های دولتی	
	تثبیت و شناخته شدن	
	شهرهای شرقی استان از	شهرستان‌های استان
	نظر معدن	
	معارضین محلی	
	نهادهای دولتی و امنیتی	معارضت‌های مدنی و نهادی
	معارض	
	انجمن‌های محیط زیستی	
	معارض	
	کمبود زنجیره فراوری در	خام‌فروشی
	استان	
	انتقال سنگ‌ها به	
	استان‌های مجاور	
	خام‌فروشی	

منبع: مطالعات میدانی (۱۴۰۲)

۵-۱. شرایط زمینه‌ای توسعه نیافتگی (ضعف زیرساخت‌های صنعتی و ارتباطی)

توسعه زیرساخت‌های صنعتی از دو جنبه حائز اهمیت است: در بعد فیزیکی بایستی در نقاط تقاضامحور که صنعتگران مختلف، بنگاه‌های تولیدی و کارآفرینان تقاضای دریافت مجوز از

مراجع ذی‌ربط محلی را دارند، بایستی شهرک‌ها و نواحی صنعتی به میزان مشاغل و درخواست‌ها رشد نمایند. جنبه دیگر مرتبط با تأمین زیرساخت‌هایی مانند آب، برق، راه دسترسی و شبکه فیبر نوری در راستای افزایش بهره‌وری و کیفیت خدمات‌رسانی به این نواحی و شهرک‌ها است. قریب به اکثریت شهرک‌های صنعتی موجود در استان فاقد زیرساخت‌های متناسب صنعتی هستند. در این میان تنها شهرک‌های صنعتی شهرستان سنندج، قروه و کامیاران از حداقل‌های مورد نیاز برخوردار می‌باشند و مابقی یا به مرحله بهره‌برداری نرسیده‌اند و یا تنها در حد مکانی فیزیکی بدون هیچ‌گونه خدمات‌رسانی و زیرساخت‌های مورد نیاز قرار دارند. این مسئله به گفته کارشناسان و ذی‌نفعان شهرک‌های صنعتی یکی از جدی‌ترین موانع توسعه شهرک‌ها و به‌طور کلی فعالیت‌های صنعتی در استان کردستان است.

در واقع بحث اصلی و اساسی در صنعت و معدن، بحث زیرساخت هست اینجا پتانسیل و ظرفیت‌های بسیار زیاد دارد اما متأسفانه در این بخش با موانع زیادی طرف هستیم. می‌توانم به طور قطع به شما بگویم که زیرساخت‌های برق آب و راه‌های ارتباطی و همچنین اراضی در اختیار این بخش بسیار ناچیز است و متأسفانه تا این زیرساخت‌ها انجام نشود سخن گفتن در مورد توسعه صنعت و معدن در استان بیهوده است (کد مصاحبه، ۱).

ایجاد هرگونه تغییر و تحول در کلیه بخش‌های توسعه‌ای استان بویژه حوزه صنعت و معدن نیازمند وجود زیرساخت‌های متناسب با ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های آن است. تحقق یافتن نقش‌های ملی و منطقه‌ای که برای کردستان در نظر گرفته شده است. بدون وجود راه‌ها، ناوگان ریلی و هوایی مناسب میسر نخواهد بود و تنها منجر به عدم استفاده و اتلاف بیش از پیش سرمایه‌های استان خواهد شد. استاندارد شبکه حمل و نقل جاده‌های استان در اسکلت اصلی در حد راه فرعی درجه یک و راه اصلی است؛ اما استفاده‌های که از آن می‌شود در حد راه‌های چهارخطه و بزرگراه است. به نظر می‌رسد وضعیت فعلی زیرساخت‌های حمل و نقلی استان به‌رغم کوهستانی بودن استان و متعاقباً هزینه‌بر بودن توسعه زیرساخت‌های ارتباطی، اما بیشتر به دلیل عدم تخصیص اعتبارات و بودجه‌های مورد نیاز و مدیریت ناکارآمد در استان کردستان است. نگاهی به جدول ۳. ضعف زیرساخت‌های ارتباطی استان را به‌وضوح نمایان می‌سازد.

جدول ۳. وضعیت شاخص‌های زیرساختی-ارتباطی استان کردستان

سهم استان از راه‌های کشور (بدون احتساب راه‌های روستایی)	۱۸۱۹ کیلومتر	۲/۱ درصد (رتبه ۲۲ کشوری)
سهم استان از راه‌های روستایی	۶۰۹۸	۳/۷ درصد (رتبه ۳۲ کشوری)
آزاد راه	فاقد آزادراه	-
بزرگراه	۱۷۸ کیلومتر	رتبه ۲۶ کشوری

منبع: سایت راه و شهرسازی استان کردستان (۱۴۰۲)

۲.۵. شرایط علی توسعه‌نیافتگی (کمبود فرصت‌های سرمایه‌گذاری و دولتی بودن معادن)

از نظر اقتصاددانان مکتب کلاسیک، محرک اصلی رشد اقتصادی، گسترش بازار، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری از محل سودهای حاصله، و عزم محرک سرمایه‌داران به انباشت ثروت دائم‌التزاید است. اما سرمایه‌گذاری، در تمام موارد پیش‌شرط اساسی توسعه تولید شناخته می‌شود، گرچه این امر تنها زمانی رخ می‌دهد که سرمایه در گردش و نیروی کار افزایش یابند (هانت، ۱۳۹۵) با این حال نظریه‌پردازان حوزه توسعه بر ارتباط دوسویه بین سرمایه‌گذاری و رشد صنعتی تأکید نموده‌اند (اکپان و اوک^۱، ۲۰۱۷). سرمایه از نهاده‌های اصلی در فرایندهای تولید است. در معادن سرمایه به صورت تجهیزات و تأسیسات فیزیکی و ماشین‌آلات معدنی طبقه‌بندی می‌شود تأمین سرمایه و استخدام و بکارگیری نیروی کار در واحدهای معدنی جهت استخراج در آنها از ضرورت‌های تداوم تولید است. براساس مصاحبه‌های انجام‌شده یکی از اصلی‌ترین موانع توسعه در استان کردستان کمبود سرمایه‌گذاری در بخش‌های صنعتی و معدنی است. درواقع تمامی حوزه‌های فعالیت اقتصادی در استان کردستان از مسئله کمبود سرمایه‌گذاری متناسب رنج می‌برند.

شاید موانع زیادی باشد از جمله بحث امنیت، ریسک بالا بروکراسی اداری و سودآوری در بخش‌های دلالتی و بازدهی به نظر من این مورد خیلی مهم است ما هنوز نتوانستیم نظر آنها را جلب کنیم. اما در مورد سرمایه‌گذاری دولتی هم باید به شما بگویم که سرمایه‌گذاری در بخش‌های مورد نظر ما پیشرفت چندانی نداشته است هر چند که دولت خود خواهان توسعه در این بخش‌هاست (کد مصاحبه، ۳).

با این همه، ضعف سرمایه‌گذاری در بخش‌های صنعتی، معدنی و تجاری به‌گفته مصاحبه‌شوندگان از دیگر حوزه‌های فعالیت اقتصادی استان مشهودتر است. مصاحبه‌شوندگان بر این باورند که فقدان سرمایه‌گذاری متناسب در این بخش‌ها به‌ویژه بخش معدن استان کردستان یکی از اصلی‌ترین مسائلی است که توسعه این حوزه‌ها با آن دست و پنجه نرم می‌کند.

ما از نظر کمی در بحث صنعت و معدن هم پیشرفت داشتیم اما همان‌طور که بهتون هم گفتم سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها کم است و باید تقویت شود حالا از نظر من سرمایه‌گذاری بخش خصوصی باید بیشتر تقویت شود و بخش خصوصی را باید بیشتر درگیر مسائل و سرمایه‌گذاری‌های بخش‌های صنعت، معدن و تجارت کنیم. در بسیاری از جاها دولت نه تنها سرمایه‌گذاری نمی‌کند بلکه مانع سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌شود بخش خصوصی هم

1. Akpan & Eweke

جزئی از اعتبارات خود را باید از بانک‌ها بگیرد که در این زمینه بانک‌ها از پرداخت این وام‌ها و تسهیلات عاجزند یا اینکه ممانعت به عمل می‌آورند (کدمصاحبه، ۴)

علاوه بر این مسایل ساختاری حوزه مدیریت بودجه و سرمایه‌گذاری‌های دولتی، مصاحبه‌شوندگان از عدم رغبت سرمایه‌گذاران بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در حوزه‌های صنعتی، معدن و تجارت اشاره می‌کنند. با توجه به ماهیت سرمایه در معادن، تحولات اقتصادی می‌تواند بر بهره‌وری سرمایه اثر داشته باشند. چون سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های معدنی اقدامی پرخطر محسوب می‌شود. لذا ریسک یکی از عوامل موثر بر بهره‌وری سرمایه می‌باشد (داونز و همکاران، ۲۰۱۴)

سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی به شدت کم شده است. میشه گفت که آنها رغبتی هم به سرمایه‌گذاری ندارند چون سودآوری در این زمینه‌ها بسیار ناچیز است مخصوصاً در زمینه معدن... متأسفانه با این وضعیتی که وجود آمده است، واردات ابزارآلات و ماشین‌آلات صنعتی و معدنی به شدت گران شده است. آنها احساس می‌کنند که اگر این کار را نکنند خیلی بیشتر به نفعشان هست (کدمصاحبه، ۱).

مصاحبه‌شوندگان بر این باورند که نوسانات بازار و درصد بالای ریسک سرمایه‌گذاری ناشی از آن منجر به افزایش رکود بی‌سابقه فعالیت‌های صنعتی، تجاری و معدنی در استان کردستان شده است. علاوه بر این، سوق یافتن سرمایه‌ها از فعالیت‌های تولیدی به فعالیت‌های سودآور غیرتولیدی یکی دیگر از تبعات نوسانات بازارهای مالی و یکی از عوامل درصد پایین سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در این حوزه‌ها است. بنابراین، به تبعید از نظریه‌پرازان رشد متوازن اکثر اقتصاددانانی که طرفدار نظریه رشد متعادل بودند، معتقد بودند فقط دولت توانایی انجام این نوع سرمایه‌گذاری‌های عظیم پیشنهاد شده توسط نظریه را دارد. علاوه بر این، دوره به ثمر نشستن این نوع سرمایه‌گذاری‌های عظیم معمولاً طولانی‌مدت است و کارآفرینان بخش خصوصی معمولاً چنین ریسک‌های بالایی را بر عهده نمی‌گیرند (گار، ۱۹۹۵).

وضعیتی که در کشور با آن مواجه هستیم شاهد انتقال سرمایه از بخش‌های صنعت و معدن به کارها و سرمایه‌گذاری‌های سودآور و کمتر ریسک‌پذیر هستیم در استان که استان مرزی است و تجارت به صورت رسمی و غیررسمی در آن وجود دارد سرمایه‌گذاران تمایل بسیاری دارند که سرمایه خود را در بخش تجارت رسمی و غیررسمی صرف کنند تا این که بیان کارگاه تولیدی یا کارگاه صنعتی درست کنند متأسفانه نه روز به روز هم این بخش‌ها ضعیف‌تر می‌شوند میزان سرمایه‌گذاری که ما انتظار آن را داریم که برآورده نمی‌شود (کدمصاحبه، ۶)

1. Downes et al

2. Gaur

مجموع این مسایل، به علاوه وجود بازار دلالتی قدرتمند و واسطه‌گری بویژه در بخش تجارت و بازرگانی و کاهش اعتبارات بانکی و فقدان برنامه‌های تشویقی و تسهیل‌گرایانه جذب سرمایه‌های بخش خصوصی منجر به رکود در این حوزه‌ها به‌ویژه حوزه معدن شده است. این درحالی است که اگر برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های تشویقی در راستای جذب سرمایه بخش خصوصی با مشارکت بخش دولتی می‌تواند یکی از محرک‌های توسعه‌ای در حوزه صنعت، معدن و تجارت باشد. برای مثال، مصاحبه‌شوندگان اشاره می‌کنند که تلاش‌های دولت با مشارکت بخش خصوصی در فعالیت‌های معدنی، احداث صنایع مرتبط با معدن به خصوص در زمینه کانی‌های فلزی و غیرفلزی، تربیت نیروی انسانی ماهر و تأکید بر اکتشافات تفصیلی در زمینه شناسایی کانسارهای فلزی و کانی‌های غیرفلزی از جمله سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اجرایی مشخص برای تحقق اهداف توسعه استان در بخش معادن می‌باشد. با این همه، بلندمدت‌بودن سرمایه‌گذاری و سرمایه بر بودن فعالیت‌های معدنی از دیگر موانع و مشکلات این بخش است. بنابراین، سطح پایین سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و کارآفرینی ناشی از دو علت است: بازدهی پایین فعالیت اقتصادی یا هزینه بالای تأمین مالی (نافزیگر، ۱۳۹۵) که می‌توان [در مورد این بحث] عامل دیگر نیز بدان افزود. همچنان که مصاحبه‌ها نشان داد، دولتی بودن معادن، راه را برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بسته است. به گفته‌ی مصاحبه‌شوندگان، این ذهنیت وجود دارد که دولت مالک معادن است و آنها همچون مستاجر حق بهره‌برداری و استخراج از معادن را دارند و این امر به تفویض مالکیت و اختیارات منجر نشده است.

متأسفانه یکی از دلایل اصلی عدم سرمایه‌گذاری در زمینه معدن سرمایه بر بودن این بخش و همچنین بلندمدت بودن سرمایه‌گذاری و سود حاصل از آن خواهد بود. همچنین دولت بر تمامی فعالیت‌های مربوط معادن سیطره دارد و این امر باعث شده سرمایه‌گذاری با کمی اغماض صورت گیرد (کدمصاحبه، ۱).

با وجود این، مصاحبه‌شوندگان بر این باورند که بخشی از دلایل عدم سرمایه‌گذاری و حتی فقدان زیرساخت‌های مطلوب و صنایع مادر در استان کردستان به دلیل وجود موانع اداری، سیاسی و امنیتی است.

۳-۵. شرایط مداخله‌گر توسعه‌نیافتگی (موانع اداری و امنیتی نمودن معادن)

توجه به این قضیه کلی به غایت ضروری است که در باور عموم مردم و نخبگان کردستان، این استان در چرخه‌ای از تبعیض و محرومیت گرفتار شده است و در تمامی حوزه‌ها نیز این اعمال تبعیض و بالتبع آن، محرومیت وجود دارد. وضعیت شاخص‌های اقتصادی- اجتماعی و زیست محیطی و ... کردستان نسبت به سطح کشوری و منطقه‌ای (غرب کشور) نیز این امر را تأیید

می‌کنند که این حس عمومی توسعه نیافتگی، تبعیض و محرومیت یک حس کاذب ناشی از تبلیغات منفی یا القای ناامیدی‌های سیاسی نیست، بلکه امری واقعی است. بنابراین پیش از هر مسأله‌ای باید به مسأله حس تبعیض و محرومیت پرداخت. درواقع، به باور مصاحبه‌شوندگان این تبعیض و محرومیت عمومی بیشتر ناشی از فضای غالب سیاسی- مدیریتی استان است که بر بدنه فعالیت‌های صنعتی، معدنی و تجارت این استان نیز سنگینی می‌کند. مصاحبه‌شوندگان بر این باورند که بروکراسی شدید اداری و ممانعت از صدور مجوز و در دسرهای اداری از جمله موانع موجود بر سر راه توسعه حوزه‌های صنعتی، فعالیت‌های معدنی و تجاری و بازرگانی استان است.

یکی از چالش‌هایی که در این زمینه با آن طرف هستیم بروکراسی اداری و نامه‌نگاری و چیزهای دست و پاگیری است که مانع توسعه این بخش شده است. متأسفانه در استان ما با این رویه سر و کار دارد به جای اینکه ادارات و نهادهای ذی‌مدخل و ذیربط به تقویت همکاری با ارباب رجوع و سرمایه‌گذاران و کسانی که می‌خواهند در این بخش‌ها کاری را انجام دهند تعامل داشته باشند متأسفانه خودشان مانع این کار می‌شوند. استان پایلوت برنامه‌ها و سیاست‌های دولتی و قانونی شده اول اینجا به شدت اینها را پیاده می‌کنند و سختگیری می‌کنند (کدمصاحبه، ۷).

کارشناسان مصاحبه شونده اقرار می‌کنند که سیستم اداری استان، وجود مشکلات و مسایل مرتبط با بروکراسی اداری و ممانعت‌های ناشی از اقتضائات امنیتی و سیاسی حاکم بر استان در برخی زمینه‌ها از جمله عدم موفقیت استان در جذب سرمایه‌های دولتی و خصوصی در راستای توسعه زیرساخت‌های صنعتی استان و مجوزهای مربوط به فعالیت‌های معدنی تاثیر فراوانی بر توسعه نیافتگی این حوزه‌ها برجای گذاشته است.

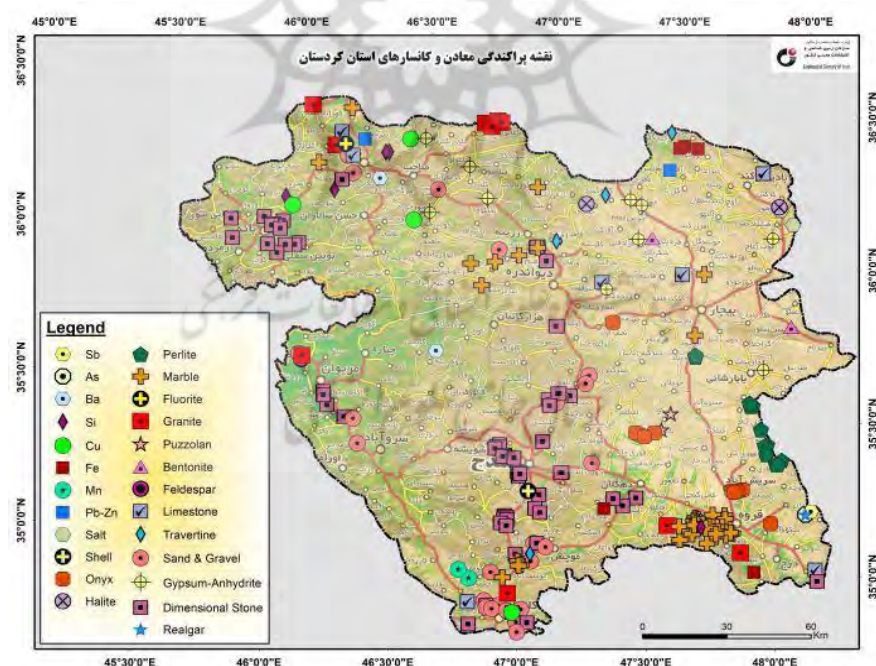
مصاحبه‌شوندگان همچنین بر این باورند که این نگاه‌های سیاسی-امنیتی منجر به شکل‌گیری نوعی تبعیض صنعتی در استان کردستان شده است که علاوه بر اینکه در سطحی کلی و کشوری منجر به بازماندن استان کردستان در این زمینه‌ها شده است، بلکه در مقایسه‌ی درون استانی نیز تبعاتی همچون دو قطبی‌سازی توزیع فعالیت‌های صنعتی و معدنی در استان به همراه داشته‌است.

استان کردستان به دلیل مسائل سیاسی و امنیتی که درگیر آن بوده و هست از این نظر ضربه دیده است به نظر بنده نگاه امنیتی سیاسی به مسئله توسعه در استان کردستان با توسعه‌ای به ویژه صنعت و معدن گره خورده است. نگاه حاکمیت به مسئله توسعه استان کردستان همیشه نگاهی از همین جنس بوده است یعنی مسائل توسعه اقتصادی را منوط به امنیت و مسائل سیاسی کرده اند به نظر من آنچه که مهم است این است که از تمامی ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بخش معدن استفاده نکرده‌ایم دلیل بسیار مهم آن همین نگاه است (کدمصاحبه، ۵).

همانطور که ذکر آن رفت، پیامدهای این وضعیت به‌نظر مصاحبه‌شوندگان در دو پدیده‌ی دو قطبی‌سازی توزیع فعالیت‌های صنعتی و معدنی در میان شهرستان‌های استان و معارضت‌های نهادی و مدنی خود را نشان داده است.

۴-۵. پیامدهای توسعه‌یافتگی (دوقطبی‌سازی توزیع فعالیت‌های صنعتی و معدنی در میان شهرستان‌های استان و معارضت‌های نهادی و مدنی)

روند توسعه‌یافتگی در کشورهای مختلف جهان دارای مراتب گوناگون است در داخل یک کشور و یا یک استان نیز روند توسعه‌یافتگی یکسان نیست (الکساندر^۱، ۲۰۰۶: ۱۶۳). وجه ناکافی به امکانات بالقوه منطقه‌ای و همچنین سیاست و نگاه غیرعادلانه دولتمردان به تمام استان‌ها نابرابری‌های فضایی و سطح توسعه‌یافتگی در شهرستان‌های یک استان ممکن است در بخش‌های مختلف صنعتی کشاورزی و خدمات سطوح توسعه با یکدیگر به طور نسبی از توازن برخوردار نباشد (کلانتری، ۱۳۹۳: ۲۲). این امر در مورد بخش معدن استان کردستان نیز صادق است. اولین نکته‌ای که به ذهن متبادر خواهد شد این است که واحدهای سنگ‌های ساختمانی در قروه و سریش‌آباد، سنگ آهن و طلا در قروه و سقز، معادن ساختمانی شن و ماسه در سنندج و معادن باروت در مریوان از پراکندگی معادن مختلف در کردستان حکایت دارد که خود می‌تواند به تولید استان کمک شایانی داشته باشد. این امر در وهله‌ی اول، شرایط زمینه‌ای دوقطبی‌سازی معدن در استان را فراهم نموده است. نقشه زیر گویای این امر می‌باشد.



نقشه ۱. پراکندگی گروه‌های مواد معدنی در استان کردستان (سند آمایش صنعتی، معدنی و تجاری کشور، ۱۴۰۲)

1. Alexander

اگر نگاهی به نقشه توزیع فعالیت‌های صنعتی و معدنی در استان کردستان انداخته شود، مشخص خواهد شد طی دهه‌های گذشته تمرکز فعالیت‌های صنعتی و معدنی در بخش‌های شرقی استان (شهرهای قروه، بیجار، دیواندره) و عدم وجود این فعالیت‌های در بخش‌های غربی استان (مریوان، بانه، سروآباد) منجر به شکل‌گیری پدیده دوقطبی‌سازی توزیع فعالیت‌های صنعتی و معدنی شده است (شماعی و احمدی، ۱۳۹۵؛ دیداری و همکاران، ۱۳۹۸؛ جهانی دولت‌آباد و محمدی، ۱۴۰۲). به عبارت دیگر، درحالی که فعالیت‌های صنعتی در شرق استان (به استثنای شهرستان سنندج به عنوان مرکز استان) تمرکز یافته‌اند در بخش‌های غربی استان بیشتر فعالیت‌های تجاری و بازرگانی متأثر از بازارچه‌های مرزی رواج یافته است که توسعه چندان در زمینه‌های زیرساخت‌ها، عمران شهری و... برای آن‌ها به ارمغان نیاورده است. هیرشمن معتقد است که هر منطقه دارای قابلیت‌های رشد است که ممکن است برای سرمایه‌گذاری خاصی مناسب باشد و لذا امکانات منطقه‌ای مشخص‌کننده بهترین پروژه‌ها برای تحقق رشد اقتصادی می‌باشد. سرمایه‌گذاری براساس استعدادها و پتانسیل‌های منطقه‌ای منجر به کارایی می‌شود (هیرشمن، ۲۰۰۲). اما به باور مصاحبه‌شوندگان شکل‌گیری این پدیده متأثر از عوامل مختلف اعم از وجود نگاه تبعیض‌گرایانه دولتی در بین شهرستان‌های استان، عدم تناسب تلاش‌ها و لابی‌گری‌های نمایندگان و متصدیان اصلی امور استان نسبت به توسعه متوازن شهرستان‌های استان، نگاه امنیتی به مناطق غربی به دلیل شرایط و وضعیت مرزی آن‌ها، بالابودن هزینه‌های فعالیت صنعتی و معدنی در بخش‌های غربی نسبت به شرق استان و... است. با این حال، آن‌ها تأکید می‌کنند که نقش تعیین‌کننده را اقتضائات امنیتی و اداری-لایبگیری بازی کرده است، نه شرایط جغرافیایی و توپوگرافی.

به نظر من تمرکز صنعت استان در بخش شرقی استان را با این قضیه مواجه می‌کند که چرا این بخش‌ها توسعه یافته از بخش‌های شرقی استان هستند به نظر من نمود این قضیه را باید در تکرر و تعدد کارگاه‌ها و معادن و تولیدات صنعتی در بخش شرقی استان دید... وقتی شما می‌بینید که در استان کردستان بسیاری از مدیران و حتی خود استاندار هم از این مناطق است باید به این تبعیض شک کرد. از یک طرف سرمایه‌گذاری‌های بخش دولتی در این بخش در شهرهای شرقی خرج می‌شود و از سوی دیگر بیشترین بیکاری و آمار کولبری و فقر در مناطق غربی استان است (کد مصاحبه، ۸).

از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان (بویژه کارشناسان و کارمندان بخش‌های مربوطه) این وضعیت طی سالیان متمادی منجر به ایجاد حسی از تبعیض اجتماعی در بین شهروندان استان و بویژه بخش‌های غربی استان شده است که پیامد بلافاصله آن را می‌توان «فروپاشی سرمایه اجتماعی» بویژه از نوع «اعتماد نهادی» آن تلقی نمود. این وضعیت در تقاطع با پیامدهای نگاه امنیتی به کلیت استان و بویژه مناطق مرزنشین آن، فعالیت‌های حوزه‌های صنعت و معدن را گاهی با معارضت‌های نهادی و مدنی روبرو کرده است.

همین مسئله باعث شده است که مناطق شرقی استان توسعه یافته‌تر باشند و علاوه شهروندان مناطق غربی استان که به مناطق مرزی هستند این امر را به دیده منفی نگاه کنند و آن را نوعی تبعیض قلمداد می‌کنند به نظر من پیامدهای ناگواری هم ممکن است داشته باشد (کدمصاحبه، ۱۴).

علاوه بر این، وجود حس تبعیض و بی‌اعتمادی به نهادهای توسعه‌گر و به‌طور کلی به ادارات دولتی در سطح استان منجر به شکل‌گیری موجی از ممانعت و معارضت‌های مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی بویژه در حوزه استخراج معدن شده است. کارشناسان توضیح می‌دهند که به دلیل فروپاشی اعتماد نهادی در میان مردم استان کردستان، آن‌ها هرگونه فعالیت معدنی را نه به عنوان فعالیتی توسعه‌محور، بلکه به‌مثابه فعالیتی سودجویانه که تنها تخریب سرمایه‌های زیست‌محیطی و معدنی را برای مناطق آن‌ها به‌بار خواهد آورد تلقی می‌کنند.

یکی از چالش‌هایی که در چند سال اخیر ما با آن مواجه هستیم ضدیت نهادها و انجمن‌های مردمی با اقدامات و طرح‌های معدنی و سرمایه‌گذاران در استان می‌باشد و نهادها به‌ویژه انجمن‌های محیط زیستی فکر می‌کنند که اقدامات توسعه‌ای مخرب هستند و همچنین هیچ سودی برای استان دارند و صرفاً دلال و سرمایه‌گذار و مدیر را تامین می‌کنند سود حاصل از این پروژه‌ها و اقدامات به جیب آنها می‌رود و تنها چیزی و کسانی که در این اقدامات و پروژه‌ها و طرح‌ها صدمه می‌بینند محیط زیست و مردمان بومی مناطقی است که در آن‌ها پروژه‌ها و طرح‌ها اجرا می‌شوند (کدمصاحبه، ۹).

مردم محلی و سازمان‌های مردم‌نهاد معتقدند که فعالیت‌های موجود در چرخه اقتصادی استان و در سطحی خردتر در زمینه توسعه مناطق و شهرستان‌های دارای ذخایر معدنی هیچ نقشی نخواهد داشت و در مقیاس کلی‌تر تنها جایگاه تامین‌کننده مواد خام توسط استان را تعمیق بخشیده و تثبیت می‌نماید.

۵-۵. استراتژی‌ها یا راهبردهای اتخاذ شده؛ (خام‌فروشی)

با توجه به شرایط زمینه‌ای ضعف زیرساخت‌های صنعتی و ارتباطی استان، شرایط علی، کمبود فرصت‌های سرمایه‌گذاری، شرایط مداخله‌گر، موانع اداری و سیاسی-امنیتی و همچنین پیامدهای حاصل از توسعه‌نیافتگی این بخش یعنی دوقطبی‌سازی توزیع فعالیت‌های صنعتی و معدنی در میان شهرستان‌های استان و معارضت‌های نهادی و مدنی فعالان و مسئولان این بخش در استان راهبردها و استراتژی‌های اتخاذ شده‌ای را در پیش گرفته‌اند. مصاحبه‌شوندگان با در نظر داشتن شرایط مورد بحث، و همچنین وجود سرمایه‌گذاری در استان‌های مجاور و مرکزی، داشتن زنجیره‌ی فراوری در این استان‌ها، وجود مکانیزاسیون پیشرفته و بازارفروش باسابقه در این

استان‌ها، راهبرد را در خام فروشی مواد معدنی استان قرار داده‌اند. یکی از مصاحبه‌شوندگان دلیل این امر را مجبور شدن ماندن در بازار معدن ارزیابی می‌کند و می‌گوید؛

ما نمی‌توانیم چندان که باید و شاید نقش بازی کنیم... همین که بتوانیم استخراج هم بکنیم شاهکار کرده‌ایم مجبورین به صورت خام مواد رو بفروستیم به مرکز و آنجا فراوری کنن ... (کدمصاحبه، ۱۰).

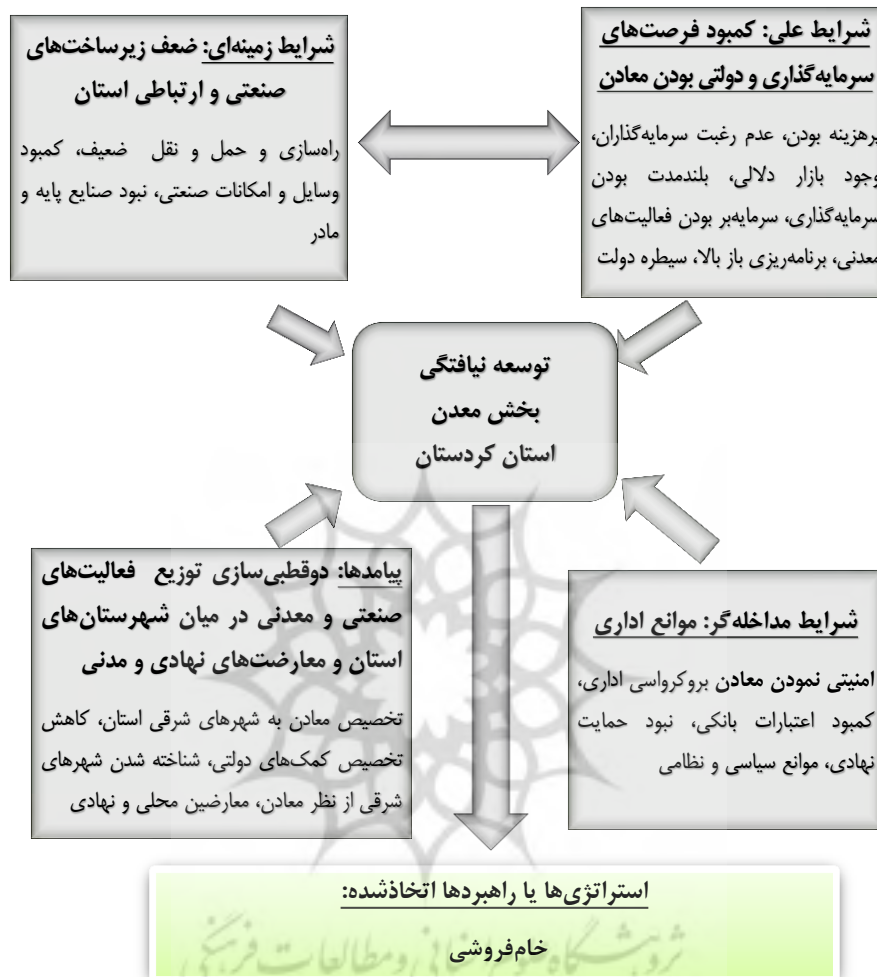
نبود زنجیره فراوری مواد معدنی در استان از مهمترین دلایل خام‌فروشی مواد معدنی در استان است. با توجه به سود زیاد در بخش فراوری مواد معدنی، این امر سبب شده که سود بسیار کمی از معادن استان نصیب فعالان اقتصادی این بخش شود. به اعتقاد فعالان اقتصادی این بخش سود حاصل از معدن نصیب دلالان و کارخانجات فراوری مواد معدنی به‌ویژه در استان‌های مرکزی و کشورهای خارجی شود.

بزرگترین مشکل کردستان در حوزه معادن نبود سرمایه‌گذاری در حوزه فراوری است چرا که تمام مواد معدنی استان به صورت خام فروشی از کردستان خارج و در کارخانجات شهرهای یزد و اصفهان و واحدهای بزرگ چین استفاده می‌شود و هیچ نفعی برای اشتغال و درآمدزایی استان ندارد (کد مصاحبه، ۱۴).

در هر کشوری از معادن به عنوان زیربنای صنعت یاد می‌شود و در ایران و استان کردستان هم می‌توان با بهره‌برداری اصولی از معادن و ظرفیت‌های موجود، نقش معادن را در توسعه استان و ایجاد اشتغال‌زایی اجرایی نمود. در بخش معادن این امر مهم به واسطه سود سریع حاصل از خام‌فروشی، دیگر ظرفیت‌های اشتغال‌زایی و بهره‌برداری نیز از بین می‌رود (دی سولمینی‌هاک^۱، ۲۰۱۸). خام‌فروشی سریع‌ترین راه ممکن برای دستیابی به سود است و به نظر مصاحبه‌شوندگان، سود حاصله نصیب دلالان و واسطه‌ها می‌شود؛

اکثر شرکت‌های معدنی ابتدا سعی در بستن بار مالی خود از طریق خام‌فروشی دارند تا زمانی که از این راه تمکن مالی پیدا کردند به فکر فراوری هم بیفتند، یعنی در ابتدا می‌خواهند که سود موردنظر خود را کسب کرده و بدون ریسک به فکر احداث کارخانه فراوری با استفاده از سود حاصل از معدن در مرحله خام‌فروشی باشند کاری که برخی از معادن فعال استان قبلاً انجام داده و یا در حال انجام آن هستند (کدمصاحبه، ۱۳).

با توجه به راهبردها و استراتژی اتخاذ شده در استان، مصاحبه‌شوندگان جهت ایجاد زمینه‌ها و بسترهای توسعه‌ی اقتصادی این بخش راهکارها و پیشنهادهایی را ارائه نموده که می‌تواند با استفاده از آنها به نقش و جایگاه بخش معدن در صنعت و تجارت نیز کمک کرد.



شکل ۱. مدل پارادایمیک توسعه نیافتگی معدن استان کردستان

۶. نتیجه‌گیری

عدم تعادل اقتصادی و صنعتی در ایران سبب توسعه‌ی نامتوازن در بین استان‌های کشور شده است. مطالعات در این زمینه حاکی از بالقوه ماندن ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های مختلفی در حوزه‌های گوناگون در استان‌های کمتر توسعه‌یافته همانند استان کردستان شده است. یکی از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های استان در حوزه صنعت، معدن و تجارت است که در این میان بخش معدن دارای یک موقعیت مهمی است که می‌تواند مبنای توسعه‌ای اقتصادی و صنعتی را برای استان فراهم آورد. با وجود این، همچنان ظرفیت‌های بالقوه استان در این بخش محقق نشده و

نتوانسته نقش و جایگاهی در توسعه‌ی اقتصادی ایفا نماید. بنابراین، این پژوهش با توجه به این امر در پی تحلیل شرایط زمینه‌ای، علی، مداخله‌ای و پیامدهای این توسعه‌نیافتگی در این بخش بوده است. برای این امر مهم، چهارچوب مفهومی پژوهش حول مفاهیم توسعه اقتصادی و صنعتی ذیل نظریات رشد متوازن نورکس و رشد نامتوازن هیرشمن و نظریات توسعه اقتصادی شومپیتر که توسعه اقتصادی و صنعتی را مبنای رفع توسعه‌نیافتگی دانسته و بر اهمیت فرآیندی و مستمر و پایداری توسعه تاکید دارند، اتخاذ گردیده است تا بدین سبب بتوان چهارچوبی مفهومی برای پژوهش و حول پاسخ به مسئله‌ی مورد نظر- زمینه‌ها، علل و پیامدها توسعه‌نیافتگی و راهکارهای توسعه‌ای- ارائه داد. با این حال، می‌توان گفت که مفهوم توسعه‌نیافتگی گرچه فرآیندی چند بعدی است اما ابعاد اقتصادی و صنعتی آن نقش موثری در ارزیابی توسعه‌ای یک کشور یا ناحیه ایفا می‌نماید. این ابعاد دربردارنده‌ی افزایش تولید همراه با بهبود کیفی روش‌ها، وسایل تولید و رفع اختلاف درآمدها، مالکیت و کنترل بر کلیه دارایی‌های تولیدی و صنعتی می‌باشد که میزان و وضعیت توسعه‌یافتگی/ توسعه‌نیافتگی را مشخص می‌نماید. بنابراین، با در نظر داشتن ظرفیت‌های تولیدی و صنعتی بخش معدن استان، از روش تحلیل نظریه زمینه‌ای که در آن به شرایط زمینه‌ای، علی، مداخله‌ای، پیامدها و راهبردهای اتخاذ شده استفاده گردید. برای این منظور با استفاده از روش نمونه‌گیری نظری هدفمند با ۱۵ نفر از کارشناسان، صاحب‌نظران و مدیران سازمان و نهادهای ذی‌ربط و فعالان اقتصادی و صنعتی استان کردستان در حوزه معدن مصاحبه به عمل آمد و مصاحبه‌ها تا زمان اشباع نظری داده‌ها ادامه یافت.

نتایج نشان داد که ضعف زیرساخت‌های صنعتی و ارتباطی استان، زمینه‌ی توسعه‌نیافتگی بخش معدن را فراهم آورده است. به نظر مصاحبه‌شوندگان، پیش‌شرط و زمینه‌ی اصلی توسعه حوزه‌های صنعت و معدن وجود زیرساخت‌ها و شبکه‌های ارتباطی متناسب در سطوح بین‌استانی و مناطق تجاری کشورهای همسایه است که استان در وضعیت نامطلوبی قرار دارد. عدم رغبت سرمایه‌گذاران، وجود بازار دلالی و انتقال سرمایه‌ها، بلندمدت بودن سرمایه‌گذاری، سرمایه‌بر بودن فعالیت‌های معدنی سبب کاهش و کمبود سرمایه‌گذاری در این بخش شده است و همچنین دولتی بودن معادن نیز در این امر دخل بوده است که در نهایت شرایط علی توسعه‌نیافتگی این بخش را سبب گردیده است.

در کنار این شرایط، موانع اداری مانند بروکراسی اداری، کمبود اعتبارات بانکی و نبود حمایت نهادی سبب گردیده است که این بخش، پویایی اقتصادی و صنعتی را از دست بدهد و در کنار آن نیز امنیتی نمودن معادن نیز در بهره‌برداری از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های این بخش به عنوان شرایط مداخله‌ای در توسعه‌نیافتگی عمل نموده است با وجود این‌ها، همراهی با نتایج محمدی و همکاران (۱۳۹۹)، و دیداری و همکاران (۱۳۹۸)، این نتیجه حاصل گردید که

دوقطبی‌سازی توزیع فعالیت‌های صنعتی و معدنی در میان شهرستان‌های استان و معارضت‌های نهادی و مدنی پیامدهای توسعه‌نیافتگی بخش معدن را به‌وجود آورده است. در همین راستا، کارشناسان، صاحب‌نظران و مدیران سازمان و نهادهای ذی‌ربط و فعالان اقتصادی، خام‌فروشی را به عنوان استراتژی و راهبرد جهت فعالیت در این بخش اتخاذ نموده‌اند. این راهبرد حاکی از پیامد توسعه‌نیافتگی و درعین حال بازتولید توسعه‌نیافتگی استان در بخش معدن و همچنین زایل شدن ظرفیت‌ها می‌باشد. این نتایج با نتایج پژوهش دانش‌مهر، (۱۴۰۲)، همخوانی دارد. بنابراین، موانع و محدودیت‌های بخش معدن، را می‌توان در پدیده‌ی خام‌فروشی - چه به عنوان پیامد و چه به عنوان زمینه‌ی توسعه‌نیافتگی بخش معدن در استان کردستان - به حساب آورد. لذا جهت برطرف نمودن آن، با توجه به یافته‌های حاصل از پژوهش، پیشنهادهای را می‌توان ارائه نمود؛

۷. ارائه پیشنهادات

با توجه به ظرفیت‌های بخش معدن، یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها و همراهی با نتایج پژوهش احمدی (۱۳۹۸) و قاضی و همکاران (۲۰۲۱)، می‌توان راهکارهایی جهت بالفعل نمودن بخش معدن و ارائه برنامه‌های تقویتی و پیشران توسعه اقتصادی و صنعتی در این بخش اتخاذ نمود؛

≠ گذار از رویکرد امنیتی - سیاسی به رویکرد توسعه اقتصادی و صنعتی و اجتماعی نسبت سرمایه‌گذاری در بخش معدن استان کردستان

≠ تقویت زیرساخت‌های صنعتی و ارتباطی (گسترش شبکه فولاد، گسترش راه‌سازی و تقویت راه‌های استان، ایجاد کارخانه‌های مادر)

≠ جذب سرمایه‌گذاری خصوصی و دولتی (تخصیص اعتبارات دولتی به بخش صنعت، همکاری بانک‌ها با بخش خصوصی، تشویق بخش خصوصی از طریق حمایت‌های بلند مدت و کوتاه مدت، توجه به کارآفرینان صنعتی، تشویق سرمایه‌گذاران بخش خصوصی داخلی و خارجی، اختصاص اعتبارات کافی، تامین هزینه‌های وسایل سنگین توسط دولتی، ایجاد صنایع تبدیلی و ممانعت از خام‌فروشی و صدور صادرات)

≠ شناسایی و برطرف نمودن موانع اداری و تشویق به ورود جامعه به بخش معدن (شناسایی موانع اداری، تشکیل کارگروه حمایت از صنعت، اشاعه فرهنگ کار و روی آوردن به کار تولیدی در استان و حمایت از سرمایه‌گذاری بومی، همکاری نهادی ذی‌مدخل)

≠ ایجاد خوشه‌ها و شبکه‌های فراوری مواد معدنی جهت کاهش خام‌فروشی.

≠ ایجاد پیشران‌ها و پسران‌های زنجیره صنعتی و معدنی در استان.

≠ مبنا قرار دادن توسعه صنعتی و معدنی و اولویت دادن به آن در برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه‌ای استان.

منابع

- احمدی، زهرا. (۱۳۹۸). نقش معدن در جذب و پایداری جمعیت سکونتگاه‌های انسانی (مطالعه موردی: سکونتگاه‌های استان کردستان). **جغرافیا و روابط انسانی**، ۲(۳)، ۳۸۳-۳۹۰.
- بهرامی، رحمت‌الله. (۱۳۸۴). بررسی تعیین درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان و جایگاه استان کردستان در برنامه توسعه کشور، (اولین کنگره منطقه‌ای راهکارهای توسعه اقتصادی استان کردستان) <https://civilica.com/doc/154208>.
- تقوی، ا. (۱۳۹۴). بررسی الزامات و رویکردهای استراتژی توسعه صنعتی در ایران، **کنفرانس ملی آینده پژوهی علوم انسانی و توسعه**، شیراز مهرماه. <https://civilica.com/doc/451956>.
- جهانی دولت‌آباد، اسماعیل؛ محمدی، چنور. (۱۴۰۲). واکاوی توزیع فضایی توسعه در شهرستان‌های استان کردستان. **مطالعات علوم محیط زیست**، ۱۸(۱)، ۶۱۶۳-۶۱۷۳. [doi: 10.22034/jess.2022.365202.1892](https://doi.org/10.22034/jess.2022.365202.1892)
- حق‌شناس، سیدعلی؛ ازغندی، علیرضا و توسلی رکن آبادی، مجید. (۱۳۹۸). نقش فقر در تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مورد مطالعه: استان کردستان. **رهیافت انقلاب اسلامی**، ۱۳(۴۷)، ۱۵۳-۱۷۰.
- خانزادی، آزاد و صادقی‌نسب، شبنم. (۱۳۹۶). رشد متوازن اقتصادی در چارچوب آمایش سرزمین؛ مطالعه موردی استان کردستان، **اولین همایش بین‌المللی برنامه‌ریزی اقتصادی، توسعه پایدار و متوازن منطقه‌ای رویکردها و کاربردها**، دانشگاه کردستان و دانشگاه پلی‌تکنیک سلیمانیه).
- خیرالدین، رضا و رزاقپور، مهدی. (۱۳۹۸). پیامدهای فضایی اقتصاد غیررسمی در شهرستان مرزی بانه کردستان. **ماهنامه اقتصاد پنهان**، ۱۲۴-۱۰۱.
- دانایی‌فرد، حسن و امامی، مجتبی. (۱۳۸۶). استراتژی‌های پژوهش کیفی- نظریه‌پردازی داده بنیاد. **اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)**، ۱(۲)، ۰-۰. <https://sid.ir/paper/473152/fa>. SID.
- دانش‌مهر، حسین. (۱۴۰۲). زایل‌شدن ظرفیت‌های توسعه محلی در استان کردستان (ارائه نظریه داده بنیاد در حوزه مدیریت منابع آب). **توسعه محلی (روستائی-شهری)**، ۱۵(۱)، ۱۱۷-۱۳۳. [doi: 10.22059/jrd.2023.363971.668812](https://doi.org/10.22059/jrd.2023.363971.668812)
- دانش‌مهر، حسین؛ خالق‌پناه، کمال و هدایت، عثمان. (۱۳۹۹). توسعه مرز محور و اضمحلال ظرفیت‌ها و فرصت‌های اجتماعات مرزی؛ با تأکید بر نقد بازارچه‌های مرزی (مورد مطالعه: بازارچه‌های مرزی نور شهرستان بانه و خاو و میر آباد شهرستان مریوان). **برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی**، ۱۱(۴۳)، ۲۴۱-۲۷۸. [doi: 10.22054/qjsd.2020.53491.2011](https://doi.org/10.22054/qjsd.2020.53491.2011)
- دیداری، چنور؛ محسنی، رضاعلی و بحرانی، محمدحسین. (۱۳۹۸). بررسی عوامل مؤثر بر توسعه نامتوازن در استان کردستان با تأکید بر شاخص‌های توسعه اقتصادی. **جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه**، ۸(۲)، ۱۶۷-۱۹۷.

ریچاردتی، گیل. (۱۳۶۶). **توسعه اقتصادی: گذشته و حال**، ترجمه محمود نبی‌زاده، تهران: نشر گستره.

قادرزاده، حامد، باقری، کیوان، امین‌پور، داود. (۱۳۹۶). سنجش سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کردستان با استفاده از شاخص‌های عمده بخش کشاورزی. **اقتصاد کشاورزی و توسعه**، ۱(۲۵)،

۲۳-۱. doi: 10.30490/aead.2017.59063

سایت سازمان صنعت، معدن و تجارت استان کردستان، بخش آمار و اطلاعات.

۱۴۰۲. (https://www.mimt.gov.ir/fa/general_content/478327)

سرور، رحیم و خلیجی، محمدعلی. (۱۳۹۲). رتبه‌بندی صنعتی شهرستان‌های استان کردستان، **مطالعات مدیریت شهری**، ۵ (۱۳)، ۳۵-۴۴.

سلطانیان، شریف و مفاخری باشماق، جمیل. (۱۳۹۸). شناسایی شرایط علی تأثیرگذار بر توسعه اقتصاد مرزی، (مورد مطالعه: استان کردستان، **جامعه‌شناختی اقتصادی و توسعه**، ۸ (۲)، ۳۱۰-۲۷۹.

سند آمایش صنعتی، معدنی و تجاری کشور. (۱۴۰۲). **موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی**.
./<https://itsr.ir/Page/10098>

شماعی، علی و احمدی، باقر. (۱۳۹۵). تحلیل فضایی سطوح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کردستان. **مجله آمایش جغرافیایی فضا**، ۶(۲۰)، ۱۱۷-۱۲۸.

غفوری، حدیث و زراعت‌کیش، یعقوب. (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEs) بخش کشاورزی در استان کردستان. **اقتصاد کشاورزی (اقتصاد و کشاورزی)**، ۱۰(۲)، ۹۳-۱۰۹.
SID. <https://sid.ir/paper/124415/fa>

فلیک، اوه. (۱۳۸۷). **درآمدی بر تحقیق کیفی**، ترجمه‌ی هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

کرسول، جان. (۱۳۹۴). **پویش کیفی و طرح پژوهش: انتخاب از میان پنج رویکرد (روایت پژوهی، پدیدارشناسی، نظریه داده بنیاد، قوم‌نگاری، مطالعه موردی)**، ترجمه حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی، تهران: صفار.

کلانتری، خلیل. (۱۳۹۳). **برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای**. تهران: انتشارات خوشبین.

کیلی، ری و مافیل، فیل. (۱۳۹۱). **جهانی شدن و جهان سوم**، ترجمه حسن نورایی و بیدخت محمدعلی شیخ‌علیان، چاپ چهارم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

محمدی، فواد؛ سیف‌الهی، سیف و سیدمیرزایی، محمد. (۱۳۹۹). بررسی و مطالعه جامعه‌شناختی ساختار توزیع فرصت‌ها و امکانات (مورد مطالعه استان کردستان). **مجله پژوهش‌های جامعه‌شناختی**، ۱۴(۱)،

۴۱-۶۵

نافزیرگر، ای. واین. (۱۳۹۵). **توسعه اقتصادی**، ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی و امیر آزاد ارمکی، تهران: نشر نی.

هانت، دایانا. (۱۳۹۵). **نظریه‌های اقتصادی توسعه (تحلیلی از پارادایم‌های رقیب)**، ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی، چاپ پنجم، نشر نی.

Akpan, E.S. and O. G. Eweke (2017). Foreign Direct Investment and Industrial Sector Performance: Assessing the Long-Run Implication on Economic Growth in Nigeria. **Journal of Mathematical Finance**, 7(2): 391-411.

Alexander, E.R. (2006) **evaluation in planning: Evaluaation and prospects**, Ashegata.

Alina-Petronela, H. (2012). Concepts of Economic growth and development. Challenges of crisis and of knowledge. **Economy Transdisciplinary Cognition**, 15(1), 66-71.

Asr, E. T., Kakaie, R., Ataei, M., & Mohammadi, M. R. T. (2019). A review of studies on sustainable development in mining life cycle. **Journal of Cleaner Production**, 229, 213-231.

Chicago.

De Solminihaç, H., Gonzales, L. E., & Cerda, R. (2018). Copper mining productivity: lessons from Chile. **Journal of Policy Modeling**, 40(1), 182-193.

Downes, P. M., Hanslow, K., & Tulip, P. (2014). The effect of the mining boom on the Australian economy. **Reserve Bank of Australia research discussion paper**, (2014-08).

Gaur, K. D. (1995). **Development and Planning: Dynamics of economic development in India** (Vol. 2). Sarup & Sons.

Ghazi, J. M., Hamdollahi, M., & Moazzen, M. (2021). Geotourism of mining sites in Iran: An opportunity for sustainable rural development. **International Journal of Geoheritage and Parks**, 9(1), 129-142.

Hirschman, A. O. (2002). **Shifting involvements: Private interest and public action**. Princeton university press.

Hirschman, A. O. (2012). The rise and decline of development economics. In **The theory and experience of economic development** (pp. 372-390). Routledge.

Johnson, R. B. (1997), **Examining the validity Structure of Qualitative Research**, Education. 118.2.

Kattel, R., Kregel, J. A., & Reinert, E. S. (2009). **The relevance of Ragnar Nurkse and classical development economics**. Ragnar Nurkse (1907-2007): classical development economics and its relevance for today, 1-28.